

الجهاد لماذا ؟

جهاد برای چه؟

للإجابة على هذا السؤال يجب بيان أن الجهاد والقتال في سبيل الله على نوعين:

برای پاسخ گفتن به این پرسش لازم است بیان شود که جهاد و پیکار بر دو نوع است:

الأول: هجومي، والثاني: دفاعي. وسيتبين الجواب من خلال البحث فيهما، وسأعرض لكل منهما وأبين أسباب كل منهما:

اول: تهاجمی، و دوم: تدافعی؛ و پاسخ طی بحث در مورد هر یک از این دو نوع داده خواهد شد. در ادامه به هر یک از آنها خواهیم پرداخت و اسباب و علل هر یک را بیان خواهیم نمود.

أولاً: الجهاد الهجومي

اول: جهاد تهاجمی

وهذا الجهاد هو فرض واجب على الأمة المؤمنة التي تحمل راية خليفة الله في أرضه في زمانهم، ويتمثل بمهاجمة وقتال كل الأمم والأقوام التي لا تعترف بدين الحق وخليفة الله في أرضه في ذلك الزمان حتى يذعنوا لكلمة لا إله إلا الله ودين الحق المرضي عند الله، ويسلموا زمام أمورهم لخليفة الله في أرضه في زمانهم، وقد قام به كثير من أنبياء الله ورسله وذكرته الكتب السماوية وكتب التاريخ بشكل لا لبس فيه، فقد قاتل قتالاً هجوماً لنشر التوحيد وإعلاء كلمة لا إله إلا الله يوشع بن نون ع وداوود ع وسليمان ع ومحمد ﷺ وعلي ع وهم أنبياء الله ورسله وعملهم حجة دامغة، وقاتلوا بأمر الله سبحانه وتعالى فلا

سبیل لِنکار هذا العمل ووصفه بأنّه جهل أو تخلف أو عصبية أو طائفية أو مذهبية وتحت مسميات الثقافة والحضارة والحرية ، على أني ساتي على مناقشة هذه الحضارة والثقافة والحرية إن شاء الله.

این نوع جهاد، فریضه‌ای است واجب بر امت مؤمنی که در زمان خود حامل پرچم خلیفه‌ی خدا در زمینش می‌باشد، و به معنی تهاجم و نبرد با همه‌ی امته‌ها و اقوامی است که در آن زمان، به دین حق و جانشین خداوند در زمینش اعتراف نمی‌کنند، تا آنجا که تسلیم و فرمان‌بردار کلمه‌ی لا اله الا الله و دین حقی که مورد رضایت خداوند است، گردند، و زمام امور خود را به خلیفه‌ی خدا در زمینش در زمان خود تسلیم کنند. بسیاری از پیامبران خدا و فرستادگانش به این مهم قیام کردند و کتاب‌های آسمانی و تاریخی این موضوع را به گونه‌ای که هیچ شک و تردیدی نسبت به آن وجود ندارد، بیان کرده‌اند. یوشع بن نون ع، داوود ع، سلیمان ع، حضرت محمد ﷺ و امام علی ع که همگی پیامبران خداوند و فرستادگانش هستند و عمل‌کردشان حجت و دلیلی ثابت شده می‌باشد، برای نشر توحید و برافراشتن کلمه‌ی لا اله الا الله به صورت تهاجمی، پیکار نموده‌اند. آنها به فرمان خداوند سبحان و متعال به نبرد برخاستند و هیچ راهی برای انکار این عمل و توصیف آن به جهل، تخلف، تعصب قومی، طایفه‌گرایی یا مذهب‌گرایی و تحت لوای فرهنگ، تمدن و آزادی، وجود ندارد. در ادامه ان‌شاءالله به بحث و بررسی در خصوص این فرهنگ، تمدن و آزادی خواهیم پرداخت.

ولهذا الجهاد شروط وقيود ربما لم تكن ثابتة تفصيلاً في كل الأديان وفي كل الأزمان، وربما تبدلت في نفس الدين الواحد بين فترة وأخرى بحسب الأوامر التي يأتي بها الأنبياء والرسل من الله سبحانه وتعالى، ولكنها إجمالاً ثابتة.

این نوع جهاد شروط و قیدهایی دارد که چه بسا تفصیل آن در تمامی ادیان و تمامی دوران‌ها یکسان و ثابت نباشد و حتی ممکن است در یک دین در زمان‌های مختلف با توجه به دستورهایی که انبیا و فرستادگان از سوی خداوند سبحان و متعال می‌آورند از برهه‌ای تا برهه‌ی دیگر تغییر و تبدیل یابند؛ اما به طور اجمالی و کلی ثابت می‌باشند.

ولعل أهم الشروط التي يعدها الناس ذات أهمية كبرى، وربما يتخذها بعضهم عذراً لتخلفه عن الجهاد والقتال في سبيل الله هي العدة والعدد، وربما يتخذ بعضهم الفرقة أو قلة الوعي في المجتمع الإيمان عذراً للتخلف عن الجهاد، وكلا هذين الأمرين داخلان في العدة والعدد، وسأعرض لهذه الأمور الثلاثة:

شاید مهم‌ترین شرطی که مردم برایش اهمیت به سزایی متصور هستند، و چه بسا برخی آن را به عنوان عذر و بهانه‌ای برای سرپیچی‌اش از جهاد و پیکار در راه خدا برگیرند، مسأله‌ی عده و عُدّه (نفرات و تجهیزات) می‌باشد؛ و برخی نیز چه بسا جدا شدن

یا عدم آگاهی و هوشیاری در جامعه‌ی ایمانی را برای شانه خالی کردن از جهاد، بهانه کند، که هر دوی این موارد به موضوع عدّه و عُدّه یا همان نفرات و تجهیزات باز می‌گردد. در این خصوص موارد سه‌گانه‌ای را توضیح خواهیم داد:

• العُدّة والعدد:

• تعداد نفرات و تجهیزات:

لا شك أنّ هذا شرط لكل مواجهة قتالية فإذا لم تكن هناك عدّة وعدد كافٍ للمواجهة العسكرية فستكون هذه المواجهة صعبة وربما غير ممكنة، ولكن يبقى أنّ شروط المواجهة الهجومية بحسب المعادلة العسكرية الحديثة تتطلب أن يكون عدد المهاجمين ضعف عدد المدافعين، وطبعاً كلما رجحت عدّة المهاجمين القتالية أمكن تقليل هذه النسبة لصالح المهاجمين، هذا بحسب القياسات المادية البحتة.

شکی نیست که این شرط برای هر نوع رویارویی رزمی، الزامی است؛ اگر نفرات و تجهیزات کافی برای رویارویی نظامی وجود نداشته باشد، این رویارویی سخت و دشوار و چه بسا ناممکن خواهد بود. شرط دو برابر بودن نیروهای مهاجم نسبت به نیروهای مدافع براساس محاسبات نظامی امروزی در مجموعه شرایط رویارویی تهاجمی برقرار می‌باشد، طبیعتاً هر چه آمادگی و تجهیزات مهاجمین مبارز بهتر باشد امکان کم کردن این نسبت به نفع مهاجمین وجود خواهد داشت. این قانون صرفاً براساس قیاس‌های مادی می‌باشد.

أما بالنسبة للمؤمنين فالأمر يأخذ منحني آخر والمعادلة العسكرية لدى المؤمنين يدخل فيها الغيب لأنهم يؤمنون بالغيب ﴿إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ * بَلَىٰ إِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ﴾ (1).

اما در مورد مؤمنان، معادله، منحنی دیگری پیدا می‌کند و در معادله‌ی نظامی برای مؤمنان مسئله‌ی غیب نیز وارد می‌شود؛ چرا که آنها به غیب ایمان دارند: ((آنگاه که به مؤمنان می‌گفتی: آیا شما را کافی نیست که پروردگارتان شما را با سه هزار فرشته‌ی نشان‌دار فرود آمده، یاریتان کند؟ * آری، اگر صبر کنید و پرهیزگار باشید، و با همین خروش بر شما بتازند، پروردگارتان شما را با

پنج هزار از فرشتگان نشان‌دار یاری کند)) (۲).

ولدی المؤمنین سلاح عظیم لا یملکه الجانب الآخر هو الدعاء، والاستغاثة بالله القوي العزيز: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّفِينَ﴾ (3)، والله الذي يستغيث به ويؤمن به المؤمنون خالق القلوب وبيده القلوب فهو الذي يملؤها قوة وثباتاً وهو الذي يجعلها خاوية خلية إلا من الرعب والانكسار:

مؤمنان سلاح بزرگی دارند که طرف مقابل فاقد آن است؛ یعنی دعا و استغاثه به درگاه پروردگار قوی عزیز: ((آنگاه که از پروردگارتان یاری خواستید، شما را اجابت کرد که: من با هزار فرشته‌ی پی در پی یاریتان کردم)) (۴)، و خداوندی که از او درخواست یاری می‌شود و مؤمنان با او ایمن می‌شوند، آفریننده‌ی قلب‌ها است و دل‌ها به دست او است. پس او کسی است که دل‌ها را مالمال از قوت و پایداری می‌کند؛ و او کسی است که آن را تهی از هر چیزی جز ترس و شکست می‌نماید:

﴿إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتُنَبِّئُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ﴾ (5).

((آنگاه که پروردگارت به فرشتگان وحی می‌کرد: «من با شمایم، پس آنان که ایمان آورده‌اند را ثابت قدم بدارید». به زودی در دل‌های کافران بیم و ترس خواهم افکند. پس بر فراز گردن‌هایشان بزنید و تمام انگشتان‌شان را قطع کنید)) (۶).

ولذلك فإن المعادلة العسكرية للمواجهة تنقلب رأساً على عقب هنا، فيكفي للهجوم أن يكون عدد المهاجمين نصف عدد المدافعين الكفار، بل في بداية الإسلام كان يكفي أن يكون عدد المهاجمين المؤمنين عشر عدد المدافعين:

۲- آل عمران: ۱۲۴ و ۱۲۵.

3- الانفال: 9.

۴- انفال: 9.

5- انفال: 12.

۶- انفال: ۱۲.

و از همین رو، در اینجا، معادله‌ی نظامی برای رویارویی کاملاً برعکس می‌شود. بنابراین کافی است که تعداد مهاجمین نصف تعداد مدافعین کافر باشد، و حتی در ابتدای اسلام کافی بود تعداد مهاجمین مؤمن یک دهم تعداد مدافعین باشد:

﴿ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ * الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴾ (7).

((ای پیامبر! مؤمنان را به جنگ برانگیز. اگر از شما بیست تن صابر و شکیبا باشند، بر دویست تن غلبه می‌یابند و اگر از شما صد تن باشند، بر هزار تن از کافران پیروز می‌شوند؛ زیرا آنان مردمی عاری از فهمند * اکنون خدا بر شما تخفیف داده، معلوم داشت در شما ضعفی هست. پس اگر از شما صد تن صابر و شکیبا باشند، بر دویست تن پیروز می‌شوند، و اگر از شما هزار تن باشند، به اذن خدا بر دو هزار تن پیروز می‌شوند؛ و خداوند با صبر پیشگان است)) (8).

والله سبحانه وتعالى يمد المؤمنين بالملائكة، ويقذف في قلوب أعدائهم الرعب حتى قبل أن يدعوه ويستغيثوا به سبحانه؛ لأنهم خرجوا في سبيله وابتغاء مرضاته ونصراً لدينه وأنبيائه ورسله، وهو أولى أن ينصر دينه وأنبياءه ورسله، وإنما ابتلى الخلق بطاعتهم ونصرتهم ليعلم من يطيعه وينصره بالغيب:

خداوند سبحان و متعال مؤمنان را با ملائکه یاری می‌کند و حتی پیش از آنکه آنها دعا بخوانند و از ساحت او سبحان یاری بجویند، رعب و ترس در دل دشمنان‌شان می‌افکند؛ زیرا آنها در راه او، و به دست آوردن رضایت او، و یاری دینش، انبیایش و فرستادگانش به پا خاسته‌اند، و او به اینکه دینش، انبیایش و فرستادگانش را یاری کند، سزاوارتر است و جز این نیست که او خلق را با اطاعت و یاری دادن ایشان می‌آزماید تا بداند چه کسی بر اساس غیب و به نادیده از او اطاعت و او را یاری می‌کند:

﴿لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (9).

((ما فرستادگان مان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آنها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم عدالت را به پا دارند و آهن را که در آن نیرویی سخت و منافی برای مردم است فرو فرستادیم، تا خدا بداند چه کسی به نادیده، او و پیامبرانش را یاری می‌کند؛ که خدا توانا و پیروزمند است)) (۱۰).

وهكذا يرافق ﴿مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ﴾ الثبات والملائكة وأيضاً الرعب في قلوب الذين كفروا، وكلها أسلحة غيبية يؤمن بها المؤمنون وتدرکها بصائرهم:

و اینچنین با ((کسی که به نادیده او و فرستاده‌اش را یاری می‌دهد)) ثبات قدم و فرشتگان همراه می‌شوند و همچنین در دل‌های کافران نیز رعب و ترس، و اینها جملگی سلاح‌های غیبی هستند که مؤمن با آنها ایمن می‌شود و دیدگان باطنی‌اش درک‌شان می‌کنند:

﴿إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَتَبَتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ﴾ (11).

((آنگاه که پروردگارت به فرشتگان وحی می‌کرد: «من با شمایم، پس آنان که ایمان آورده‌اند را ثابت قدم بدارید». به زودی در دل‌های کافران بیم و ترس خواهم افکند. پس بر فراز گردن‌هایشان بزنید و تمام انگشتانشان را قطع کنید)) (۱۲).

﴿سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ﴾ (13).

((در دل آنان که کافر شدند بیم و هراس خواهیم افکند؛ زیرا چیزی را که

9- الحديد: 25.

۱۰- حديد: ۲۵.

11- الانفال: 12.

۱۲- انفال: ۱۲.

13- ال عمران: 151.

حجتی برایش فرو نفرستاده است شریک خدا گرفتند و جایگاه آنان آتش است؛ و ستمکاران را چه بد جایگاهی است!) (۱۴).

﴿وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا﴾ (15).

((و از اهل کتاب آن گروه را که به یاریشان برخاسته بودند از دژهایشان به زیر آورد و در دل‌هایشان بیم افکند؛ گروهی را می‌کشید و گروهی را به اسارت می‌گرفتید)) (۱۶).

﴿هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ﴾ (17).

((او کسی است که کسانی از اهل کتاب را که کافر بودند، در نخستین اخراج، از سرزمین‌شان بیرون راند، در حالی که شما نمی‌پنداشتید بیرون روند و آنها خود نیز می‌پنداشتند حصارهاشان را توان آن هست که در برابر خدا نگاه‌دارشان باشد. خدا از سویی که گمانش را نمی‌بردند بر آنها برآمد و در دل‌هایشان وحشت افکند، چنان که خانه‌هایشان را به دست خود و به دست مؤمنان خراب می‌کردند. پس ای اهل بصیرت! عبرت بگیرید)) (۱۸).

و كما قدمت فإنّ عدد وعدة المؤمنین الذین قاتلوا مع یوشع بن نون كانت أقل بكثير من الشعوب الكافرة التي واجهوها، وكذلك الحال بالنسبة لطالوت والجماعة المؤمنة الذین معه، بل إنّ فی قصة طالوت وجماعته آية من الله سبحانه وتعالى، فداود الشاب وأصغر القوم سنّاً والذي تخلو يده من السلاح - فلم يكن معه إلاّ مقلع وأحجار - يحقق

۱۴- آل عمران: ۱۵۱.

۱۵- الاحزاب: 26.

۱۶- احزاب: ۲۶.

۱۷- الحشر: 2.

۱۸- حشر: ۲.

الضربة القاضية على جيش جالوت ويقتل جالوت ويكون السبب الرئيسي في هزيمة جيش جالوت:

و همان طوری که پیش تر گفتیم عده و عده‌ی مؤمنانی که با یوشع بن نون نبرد کردند بسیار کمتر از جمعیت‌های کافرانی بود که با آنها رویارو شدند و وضعیت برای طالوت و گروه مؤمنی که همراهش بودند نیز اینچنین بود، و حتی در داستان طالوت و همراهانش نشانه‌ای از سوی خداوند سبحان و متعال وجود دارد؛ داوود ع جوان، و سنش کمتر از سایرین و دستش خالی از هر سلاحی بود -هیچ چیز همراهش نبود جز قلاب سنگ و تعدادی سنگ- که ضربه‌ی مهلک را به لشکر جالوت وارد کرد، جالوت را به هلاکت رساند و علت و سبب اصلی شکست لشکریان جالوت گردید:

﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ﴾ (19).

((پس به خواست خدا ایشان را شکست دادند و داوود، جالوت را بگشت)) (۲۰).

لم تكن في هذه القصة فقط الفئة المؤمنة القليلة العدد الضعيفة العدد غلبت الفئة الكافرة الكثيرة العدد القوية العدد، بل إنَّ أضعف عدد وأقل عدد - داود ع وأحجاره - حققت النصر في هذه المعركة، لم يكن أحد من الناس حتى المؤمنون يحسب لداود - صغير السن - وأحجاره حساباً في هذه المعركة لكن الله تكلم بـداود وبأحجار داود، أراد الله أن يقول بهذه الآية أن لا قوة إلا بالله.

در این داستان اینکه فقط گروهی از مؤمنان با تعدادی اندک و تجهیزات ضعیف بر گروهی از کافران با تعداد بسیار و تجهیزات فراوان غالب آمده‌اند، وجود ندارد، بلکه ضعیف‌ترین تعداد و کم‌ترین تجهیزات -داوود ع و سنگ‌هایش- پیروزی را در این پیکار رقم زدند. هیچ یک از مردم حتی مؤمنان برای داوود کم سن و سال و سنگ‌هایش در این نبرد حسابی باز نکرده بودند اما خداوند به وسیله‌ی داوود و سنگ‌هایش سخن گفت؛ خداوند با این آیه و نشانه اراده فرمود که بگوید: «لا قوة الا بالله» (هیچ نیرو و توانی نیست مگر با خداوند).

روي عن أبي عبد الله ع أنه قال: (القليل الذين لم يشربوا ولم يغترفوا ثلاث مائة وثلاثة عشر رجلاً، فلما جاوزوا النهر ونظروا إلى جنود جالوت قال الذين شربوا منه:

از ابا عبد الله ع روایت شده است که فرمود: «آن عده‌ی اندک که نمی‌آشامند و کف دستی بر نمی‌گیرند، سبزد و سبزه مرد هستند. هنگامی که از نهر عبور کردند و به سربازان جالوت نظر افکندند آن کسانی که از آن (نهر) نوشیده بودند گفتند:

﴿ لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَ جُنُودِهِ ﴾ (21).
(امروز ما را توانِ جالوت و سپاهش نیست))

وقال الذين لم يشربوا:

﴿ رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَ انصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴾ (22).

و کسانی که ننوشیده بودند گفتند:
(ای پروردگار ما! بر ما شکیبایی فرو ریز و گام‌های ما را استوار بدار و ما را بر کافران پیروز فرما!)).

فجاء داود ع حتى وقف بحذاء جالوت، وكان جالوت على الفيل وعلى رأسه التاج وفيه ياقوت يلعب نوره وجنوده بين يديه، فأخذ داود من تلك الأحجار حجراً فرمى به في ميمنة جالوت ، فمر في الهواء و وقع عليهم فانهزموا، وأخذ حجراً آخر فرمى به في ميسرة جالوت فوق وقع عليهم فانهزموا، ورمى جالوت بحجر ثالث فصك الياقوتة في جبهته ووصل إلى دماغه ووقع إلى الأرض ميتاً فهو قوله:

تا آنجا که داوود ع نزدیک گام‌های جالوت ایستاد. جالوت سوار بر فیل بود و بر سرش تاجی بود و در آن یاقوتی بود که نورش می‌درخشید و سربازانش در اطرافش بودند. داوود از آن سنگ‌ها سنگی برداشت و به سمت راست لشکر پرتاب کرد. آن سنگ هوا را شکافت و بر آنها فرو افتاد و آنها شکست خوردند. سنگ دیگری برداشت و به سمت چپ جالوت پرتاب کرد و بر آنها فرود آمد و شکست خوردند. جالوت را با سنگ سومی زد و

21- البقرة: 249.

22- البقرة: 250.

یا قوتش را به سرش دوخت تا به مغزش رسید و او مُرده بر زمین افتاد؛ و این سخن حق تعالی است که می‌فرماید:

﴿فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ﴾ (23) (24).

((پس به خواست خدا ایشان را شکست دادند و داوود، جالوت را بکشت و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داد)) «.

فینبغی أن تأخذ معادلة العدة والعدد منحني آخر إذا كان القتال في سبيل الله فيكون النظر إليها محدوداً، لا إنها تمثل عائقاً دائماً عن الجهاد والقتال في سبيل الله، فالمطلوب أعدوا لهم ما استطعتم والباقي على الله سبحانه وتعالى:

بنابراین اگر پیکار در راه خداوند باشد شایسته است که معادله‌ی تعداد و تجهیزات منحنی دیگری به خود گیرد، و توجه به این خصیصه شکلی محدود به خود می‌گیرد، نه اینکه این موضوع عامل بازدارنده‌ی دائمی برای جهاد و پیکار در راه خداوند شود، بلکه آنچه از مؤمنان خواسته شده، آماده‌سازی هر چه در توان دارند می‌باشد، و باقی کارها بر عهده‌ی خداوند سبحان و متعال است:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (25).

((و هر آنچه در توان دارید از نیرو و اسبان سواری آماده کنید، تا با آن، دشمن خدا و دشمن خود و دیگری غیر از آنها که شما نمی‌شناسید و خداوند می‌شناسد را بترسانید و هر آنچه را که در راه خدا هزینه می‌کنید به تمامی به شما بازگردانیده شود و به شما ستم روا نگردد)) (۲۶).

وَأَمِنُوا وَتَيَقَّنُوا أَنَّهُ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ:
و ایمان و یقین داشته باشید که هیچ پیروزی نیست مگر از سوی خداوند:

23- البقرة: 251.

24- تفسير القمي: ج 1 ص 83 .

25- الانفال : 60.

26- انفال: ۶۰.

﴿ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴾ (27).

(به خواست خدا، چه بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار غلبه کند، که خدا با کسانی است که صبر پیشه می‌کنند) (۲۸).

فِيَأْبَى اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى إِلَّا أَنْ يَبَيِّنَ أَحْقِيَةَ الرِّسْلِ وَأَتْبَاعَهُمْ وَذَلِكَ عِنْدَمَا يَكُونُونَ قَلَّةً مُسْتَضْعَفَةً فَيُنْصِرُهُمُ اللَّهُ عَلَى عَدُوِّهِمْ وَعَدُوَّهُمْ مَعَهُمْ كَثْرَةً مُتَعَالِيَةً مُسْتَكْبِرَةً.

خداوند سبحان و متعال ابا دارد جز از اینکه حقانیت فرستادگان و پیروان‌شان را آشکار نماید و این، هنگامی است که ایشان عده‌ای مستضعف اندک‌شمار باشند، که خداوند آنها را بر دشمن خود و دشمن‌شان با وجود تفوق و برتری فراوان‌شان، پیروز می‌گرداند.

وَهَكَذَا دَائِمًا فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى يَجْرِدُ دِينَهُ وَالِدَعْوَةَ إِلَيْهِ مِنْ أَيْ مَغْرِيَاتٍ دُنْيَوِيَّةٍ أَوْ سُلْطَوِيَّةٍ لِيَدْخُلَ فِي دِينِهِ وَيُجَاهِدَ فِي سَبِيلِهِ مَنْ يَدْخُلُ وَيُجَاهِدُ، وَهُوَ لَا يَرِيدُ إِلَّا اللَّهَ وَوَجْهَ اللَّهِ، هَكَذَا دَائِمًا حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَحُفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ، فَدَيْنَ اللَّهِ الْحَقُّ لَا يُحْفُ بِالشَّهَوَاتِ بَلْ بِالْمَكَارِهِ فَالْتَفَتُوا يَا أَوْلِي الْأَلْبَابِ.

همواره چنین بوده است که خداوند سبحان و متعال دینش و دعوت به سوی خود را خالی از هر گونه فریب‌های دنیوی یا سلطه‌گرایانه می‌کند تا آن که شایستگی دارد در دینش وارد و در راهش مجاهدت نماید، در حالی که او چیزی جز خداوند و جز وجه خداوند نمی‌خواهد، و اینچنین، همواره بهشت با سختی‌ها و گرفتاری‌ها، و آتش با شهوات احاطه شده است، و دین حق خداوند با شهوات به دست نمی‌آید بلکه با سختی‌ها و دشواری‌ها حاصل می‌شود؛ پس ای خردمندان! متوجه باشید.

قال رسول الله ﷺ: (حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ وَحُفَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ) (29).

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: (بهشت با سختی‌ها، و آتش با شهوات پوشیده شده است) (۳۰).

27- البقرة: 249.

28- بقره: 249.

29- مستدرک سفينة البحار: ج 6 ص 94.

30- مستدرک سفينة البحار: ج 6 ص 94.

وقال رسول الله ﷺ: **(الحق ثقيل مر، والباطل خفيف حلو)** (31).
همچنین ایشان ﷺ می فرماید: «حق، سنگینی تلخ، و باطل، سبکی شیرین است». (32)

31- مستدرک سفینه البحار: ج 6 ص 94.

32- مستدرک سفینه البحار: ج 6 ص 94.